

# آبر قهرمان‌های عصر جدید

مریم محمدخانی

واسطه آن جیمی ناگهان درمی‌یابد قدرتی استثنایی دارد و هنوز این مسئله برای خواننده حل نشده که غریبه‌هایی وارد خانه‌شان می‌شوند تا جیمی را با خود ببرند.

این اتفاقات در حالی رخ می‌دهد که ما هنوز هیچ تصویری از شخصیت جیمی نداریم، از مدرسه، دوستان، خانواده یا روحیاتش. بنابراین مجبوریم از ابتدای کتاب او را به عنوان پسری غیرطبیعی با قدرت‌های عجیب بی‌پذیریم. (اگر هری پاتر را خوانده باشید، حتماً چگونگی پرداخت شخصیت او را در فصل‌های اول به خاطر دارید. پرداختی که به خواننده کمک می‌کند با این شخصیت همراه شده و به اندازه خود او از مواجهه با قدرت جادویی‌اش شگفت‌زده شود.)

مبارزه میان خیر و شر تقریباً از مفاهیم اصلی خیلی از کتاب‌های تخیلی و حادثه‌ای است. جیمی می‌خواهد با بخش آدمکش وجودش مبارزه کند. او نمی‌خواهد آدمکش باشد و دوست دارد مثل تمام آدم‌های دیگر زندگی کند؛ بدون این‌که عضو تشکیلاتی سری باشد و مجبور شود از این تشکیلات اطاعت کند. جیمی هم با بخش شر وجودش روبه‌روست و هم با نیروهای دولتی آن‌جی‌۷ که خودشان جیمی را اختراع کرده‌اند، اما حالا مجبورند با او مبارزه کنند. بنابراین شر هم در درون وجود جیمی است و هم در محیط پیرامونش؛ که این مبارزه‌اش را هم سخت‌تر و هم هیجان‌انگیزتر می‌کند.

تمرکز اصلی جیمی کواتز بر قوی کردن بخش انسانی وجودش است، برای همین به حضور دوستان و خانواده‌اش نیاز دارد. چنین نیازی باعث می‌شود در خلال داستانی حادثه‌ای و معمایی به روابط انسانی و مفاهیمی مثل خانواده، اعتماد، مسئولیت، ارزش دوستی و ... نیز پرداخته شود. مثلاً در ماجرای جداسدن پدر جیمی از خانواده، وقتی او تصمیم می‌گیرد بین تشکیلات سری و خانواده، یکی را انتخاب کند و ...

ترجمه کتاب، خوب و یک‌دست به نظر می‌رسد، با این حال گاهی مترجم نتوانسته عبارات و جمله‌ها را به فارسی درست و سلیسی برگرداند؛ مثلاً «هالینگدال هیچ غلطی با من نمی‌تواند بکند...» (ج ۲، ص ۹) که چنین ترکیبی در فارسی کاربرد ندارد.

تاکنون هفت جلد از مجموعه «قدرت عجیب» در دنیا منتشر شده و قرار است ماجراهای این مجموعه در جلد هشتم به پایان برسد. در ایران نیز تا امروز چهار جلد از این مجموعه با نام‌های *آدمکش* (جلد اول)، *هدف* (جلد دوم)، *انتقام* (جلد سوم) و *خرابکار* (جلد چهارم) منتشر شده است.



جیمی کواتز (مجموعه قدرت عجیب). جو گریک. ترجمه شهلا انتظاریان. تهران: پیدایش، ۱۳۸۸.

مجموعه «قدرت عجیب» مجموعه‌ای تخیلی است، یکی از آن مجموعه‌هایی که این روزها بازار کتاب کودک و نوجوان را پر کرده است. نام قهرمان این مجموعه، جیمی است؛ پسری با توانایی‌های خارقالعاده که برای حفاظت از دولت بریتانیا در مقابل دشمنان طراحی شده و تقریباً هر کاری از دستش برمی‌آید.

جیمی، پسری که در یازده‌سالگی می‌فهمد فقط سی‌وهشت درصد از وجودش انسان است، می‌تواند شخصیت جذابی باشد که قرار است ماجراهایش — آن‌طور که روی جلد درج شده — سی‌وهشت درصد اسرارآمیز، شصت‌ودو درصد پلیسی و حادثه‌ای و صددرصد وسوسه‌انگیز باشد!

دیدن همین چند سطر روی جلد کافی است تا برای خواندن کتاب وسوسه شوی و کنجکاو شوی بدانی این کتاب، آن‌قدر که ادعا شده، اسرارآمیز و پلیسی هست یا نه. به نظر من که بعید است علاقه‌مندان به داستان‌های پلیسی و حادثه‌ای در پایان دست‌خالی بمانند؛ کتاب پر است از توصیف صحنه‌های تعقیب و گریز و مبارزه و حتی مبارزه جیمی با پلیس‌ها!

«جیمی هم‌چنان که داشت شیرجه می‌زد، یک تابلو اعلانات را برداشت و با آن، راه پلیسی درشت‌هیکل را سد کرد. پلیس به زمین افتاد و جیمی پشت او سوار شد تا از آن به عنوان تخته پرش استفاده کند و با پا به سینه گروهبان اتکینسون بکوبد. بعد در زیر پرش‌های بی‌فایده یک پلیس دیگر غلتی زد و روی پا بلند شد و تند به طرف در دوید. دری سنگین و چوبی و بزرگ بود ولی جیمی آن را شکست و از وسط آن به خیابان پرید و دوید...» (جلد اول، ص ۵۰)

تعلیق معمولاً از مهم‌ترین عناصر داستان‌های حادثه‌ای است؛ عنصری که قرار است خواننده را درگیر کند و او را تاگشودن گره‌های داستانی همراه کند. اما در جیمی کواتز گره‌ها پشت‌سر هم، یکی پس از دیگری گشوده می‌شوند، بدون این‌که به خواننده مهلت دهد به فرضیه‌ای برای معمایی که در ذهنش شکل گرفته، دست یابد. نویسنده سریع می‌رود سر اصل مطلب و اصراری به ایجاد تعلیق و معما ندارد. در نهایت به نظر می‌رسد ایجاد هیجان برای نویسنده جیمی کواتز مهم‌تر از ایجاد معما بوده است.

جلد یکم با دعوای جیمی و خواهرش آغاز می‌شود؛ دعوایی که به

